

آیت‌الله علی‌دوست در گفتگو با مهر مطرح کرد؛

نمایش چهره معصومین در فیلم‌ها چه موقع جایز است؟

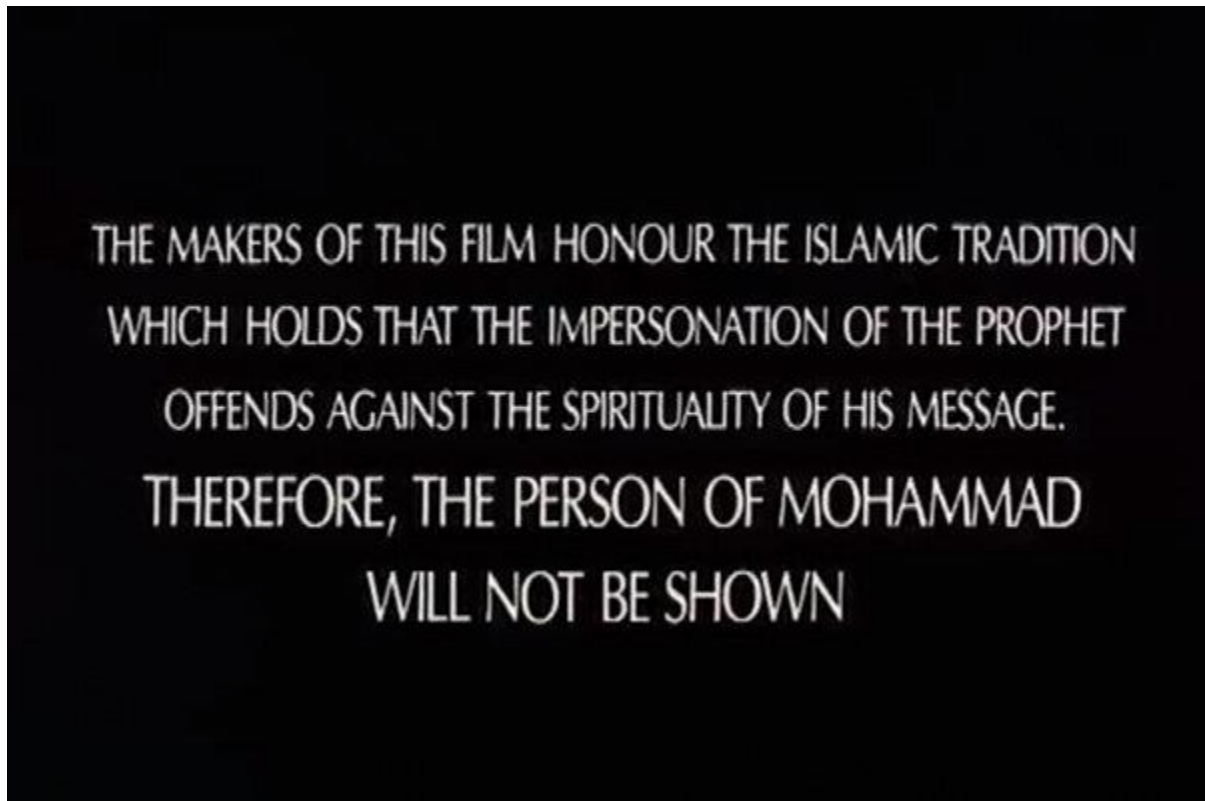
آیت‌الله ابوالقاسم علی‌دوست گفت: در خصوص نمایش چهره معصوم بدون افکت نور و غیره اگر در نتیجه تحقیقات مشخص شد واقعاً وهن و قداست زدایی اتفاق نمی‌افتد دلیل خاصی بر منع این مسئله وجود ندارد.

**خبرگزاری مهر** - گروه دین و آیین-محمد مهدی ابراهیمی نصر، فاطمه علی‌آبادی: جهان امروز، جهان تصویر است. عصاره عصری که از آن با عنوان عصر انفجار اطلاعات یاد می‌شود. به عبارتی جذاب‌ترین، کارآمدترین و ماندگارترین شیوه بیان و ارائه اطلاعات به مخاطبان در این دوران را می‌توان جادوی تصویر دانست. همه می‌دانیم رسانه‌های جمعی، فارغ از یک نگاه افراطی یا تقریپی، خوش‌بینانه یا بدبینانه بر روی مخاطبان خود تأثیر دارند و می‌توانند به مانند الگویی در زندگی مخاطبان مطرح شوند و تصاویر ذهنی آنان را نسبت به تمام مفاهیم مادی و معنوی دگرگون کنند و تصویر جدیدی جایگزین آن نمایند.

یکی از مسائلی که با ورود فیلم‌سازان مسلمان به عرصه ساخت فیلم و سریال درباره پیامبر، اهل بیت (ع)، پیامبران و شخصیت‌های دینی مورد پرسش و بعضاً چالش فراوان قرار گرفت، نمایش چهره یا صدای معصومین (ع) بود. فیلم‌هایی که در غرب در خصوص پیامبران الهی نظیر حضرت نوح، حضرت موسی و حضرت عیسی مسیح علیهم السلام ساخته شده است و می‌شود همگی با نمایش چهره این پیامبران همراه بوده است.

در ابتدای فیلم الرسالة ساخته مصطفی عقاد که به بخشی از زندگی پیامبر اعظم (ص) می‌پردازد جملاتی در این خصوص درج شد: «سازندگان این فیلم بنا به موازین اسلامی که بر طبق آن تصویر سازی از پیامبر (ص) مغایر با معنویت پیام اوست توجه نمودند. بنابراین هیچ‌گونه تصویر و صدا از نبی اکرم در طول اجرای فیلم نمایش داده نمی‌شود».

این فیلم سینمایی از مورخان تاریخ اسلام، دانشگاه الازهر مصر و مجلس اعلی شیعیان لبنان که در آن دوران امام موسی صدر ریاست آن را بر عهده داشت، برای نمایش فیلم مجوز و تاییدیه گرفته بود.



پس از پیروزی انقلاب اسلامی و توجه سینماگران و صداوسیما به ساخت فیلم و سریال در خصوص زندگی معصومین و یا امامزادگان، این مسئله هر از گاهی مطرح می‌شد که آیا می‌توان چهره‌های معصومین و شخصیت‌های دینی مقدس را به تصویر کشید یا نه و اینکه این امر از منظر احکام اسلامی چه وضعیتی دارد. سریال امام علی (ع)، سریال ولایت عشق، سریال تنهاترین سردار و فیلم محمد رسول الله (ص) ساخته مجید مجیدی در این خصوص همانند فیلم مصطفی عقاد عمل کرده و از شیوه نمایش نور یا نشان دادن دست معصومین برای فیلم خود استفاده کردند. در این خصوص سریال ولایت عشق، اقدام بیشتری انجام داد و آن پخش صدای بازیگری بود که در نقش امام رضا (ع) مشغول ایفای نقش بود. این مساله در خصوص پیامبران یا شخصیت‌های دینی نظیر حضرت ابراهیم، حضرت اسماعیل، حضرت ایوب، حضرت یعقوب، حضرت سلیمان، حضرت یوسف، حضرت مریم، حضرت یحیی، حضرت زکریا، حضرت مسلم، حضرت عبدالعظیم حسنی، به گونه‌ای دیگر عمل شد و شاهد نمایش چهره کامل بازیگرانی که این نقش را ایفا می‌کردند بودیم.

در پی نمایش سریال مختارنامه و تولید فیلم روز رستاخیز ساخته احمدرضا درویش که به قیام عاشورا می‌پردازد، بحث‌هایی مجدداً مطرح شد که آیا نمایش چهره معصومین یا شهدای کربلا نظیر حضرت ابوالفضل العباس (ع) یا حضرت علی اکبر (ع) جایز است یا همچنان باید به شیوه قبل در نمایش این چهره‌های مقدس اکتفا کرد.

این مسئله به قدری در نحوه ساخت و تولید فیلم‌های دینی و مذهبی موثر است که هر از گاهی در خصوص آن بحث‌ها و گفتگو‌هایی انجام می‌شود و حتی نمایشی با عنوان «مجلس ضربت زدن» نوشته بهرام بیضایی به این موضوع در قالب یک نمایشنامه پرداخته است.

برای واکاوی فقهی بازنمایی چهره معصومین در فیلمها و سریالها با آیت الله ابوالقاسم علیدوست استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و رئیس انجمن فقه و حقوق اسلامی حوزه علمیه قم به گفتگو نشستیم که در ادامه حاصل آن را می‌خوانید:

**\* آیا رسانه جامعه اسلامی در قالب‌های مختلف نظیر فیلم و سریال وظیفه و تعهدی برای معرفی امامان معصوم (ع) و چهره‌های مقدس دینی دارد یا خیر؟**

یکی از رسالت‌های مهم رسانه‌ها و سایر نهادهای فرهنگی گفتمان سازی، ایجاد صلاح در جامعه و اخلاقی کردن جامعه است و بهترین شکل اجرای این رسالت ارائه الگوهای عملی و خروج از حالت انتزاعی است. بنابراین می‌توان گفت یکی از مهمترین رسالت‌های رسانه معرفی الگوهای مناسب است. این الگوی مناسب می‌تواند یک عالم یا دانشمند موفق مسلمان و حتی غیر مسلمان باشد. بر اساس اعتقادات اسلامی و واقعیت غیر قابل انکار بدون تردید حضرات معصومین (ع) بهترین الگو برای انسان‌ها هستند.

به بیان دیگر رسالت رسانه گفتمان سازی صحیح، بهترین شکل آن ارائه الگو و در بین الگوها بهترین الگو معصومین (ع) هستند. معصومین (ع) نه تنها برای مسلمانان بلکه برای تمام انسان‌ها الگو هستند. برای مثال حضرت زهرا (س) در سبک زندگی خود تنها الگوی زنان مسلمان نبودند بلکه الگوی زنان و مردان مسلمان و غیر مسلمان بودند و هستند.

رسانه‌ها در معرفی الگو باید چند نکته را در نظر بگیرند؛ اولین نکته این است که باید الگوی عملی و قابل اجرا به مردم معرفی کنند. متأسفانه گاهی مواردی در رسانه مطرح می‌شود که بعضاً سند و مدرک درستی ندارد و قابل اجرا نیز نیست. برای مثال در تلویزیون بیان می‌شود وقتی زینب کبری (س) به دیدار جدش پیامبر (ص) می‌رفت امام حسن (ع) جلوتر از ایشان و امام حسین (ع) پشت سر ایشان حرکت می‌کردند، این موضوع مسئله‌ای نیست که امروز بتوان به آن عمل کرد. بسیاری از الگوهای رفتاری از حضرت زینب (س) وجود دارد که قابل اجرایی شدن است و رسانه باید به آنها بپردازد.

گاهی برخی آنقدر از شجاعت امام حسین (ع) سخن می‌گویند که صلح امام حسن (ع) زیر سوال می‌رود و یا آنقدر از صلح امام حسن (ع) بیان می‌کنند که قیام عاشورا زیر سوال می‌رود. رسانه باید این نکته را مورد توجه قرار دهد که ارائه الگو به صورت جامع و کامل و با در نظر گرفتن همه ابعاد صورت بگیرد

نکته دیگری که در امر خطیر معرفی الگو باید مورد توجه رسانه قرار بگیرد، بحث جابجایی است. برای مثال در ارائه الگو از امام صادق (ع) باید به مسئله تأسیس یک دانشگاه مشترک برای بشریت و مسئله شاگردپروری امام پرداخت نه مسائل دیگر مانند کرامات آن حضرت که در درجات بعدی از لحاظ اهمیت قرار دارند. در عصر حاضر نقل درست زندگی ائمه اطهار (ع) خود معجزه و کرامت است. و در مثال دیگر باید به حکومت داری امیرالمومنین (ع) پرداخت نه مسائل حاشیه‌ای درباره آن حضرت؛ بنابراین نباید اولویت‌ها را جابجا کرد. چه بسا طرح و بیان مسائلی که در اولویت قرار ندارند ممکن است به درستی صورت نگیرد و باعث شود مسائل دیگر زیر سوال برود.

سومین نکته در ارائه الگو توسط رسانه این است که الگو باید در یک نظام معرفی شده و مجموعه مسائل در کنار هم باید در نظر گرفته شود. گاهی برخی آنقدر از شجاعت امام حسین (ع) سخن می‌گویند که صلح امام حسن (ع) زیر سوال می‌رود و یا آنقدر از صلح امام حسن (ع) بیان می‌کنند که قیام عاشورا زیر سوال می‌رود. رسانه باید این نکته را مورد توجه قرار دهد که ارائه الگو به صورت

جامع و کامل و با در نظر گرفتن همه ابعاد صورت بگیرد. در دهه پنجاه تفکری نزدیک به زیدی مذهب در فضای ایران حاکم شد که در آن تفکر جناب ابوذر جا داشت اما امام صادق (ع) جا نداشت، این همان معنای در سیستم عمل نکردن و انحرافی است که رسانه باید از آن دوری کند.

نکته چهارم این است که به هیچ وجه نباید معرفی الگوها حالت سیاسی پیدا کند. اینطور نباشد که افراد با توجه به تفکر و اعتقاد سیاسی که دارند مواردی را مطرح کنند که با تفکرشان هماهنگی داشته باشد. برای مثال از امام حسین (ع) الگوی یک انقلابی مجاهد مبارز ارائه کنند و بقیه ساحت‌های ایشان را نادیده بگیرند و یا از امام صادق (ع) تنها یک مدرسه را نقل کنند اما مبارزات و جهات دیگر ایشان را در نظر نگیرند. سیاسی برخورد کردن، یک ساحت خاص را بیان کردن، جابجایی اولویت‌ها و ارائه الگوی غیر عملی آسیب‌هایی است که در حوزه ارائه الگو وجود دارد.

از ائمه اطهار (ع) گفتن نه یک وظیفه استحابی بلکه یک وظیفه واجب برای رسانه‌ها است، حتی گفتن از نکات مثبت شخصیت‌های برجسته غیر مسلمان نیز هیچ اشکالی ندارد.

**\*در معارف اسلامی اینطور بیان شده که می‌فرمایند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ» با توجه به این آیه، آیا ایجاد ممنوعیت مبنی بر نمایش چهره و ... انبیا و معصومین (ع) و استفاده از نور یا تکنیک‌های دیگر در مخاطبان خصوصاً کودکان و نوجوان تلقی نادرستی از معصومین ایجاد نمی‌کند؟**

این سوال و بحث مهمی است. این بحث را نباید بی جهت بزرگ کرد اما ساده نمایی در این موضوع نیز درست نیست. صرفاً با استناد به آیه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ» نمی‌توان گفت این تأیید قرآنی بر مسئله نمایش چهره معصومین (ع) است. نظر هنرمندان در این خصوص این است که هنرهای نمایشی و فیلم باید واقع‌گرایانه و به اصطلاح رئالیستی باشد، تا بتواند مخاطب را شکار کند و در پای نمایشنامه بنشانند و زمانی که چهره معصوم (ع) را با انداختن نور به صورت غیر عریان نشان می‌دهیم آن ارتباطی که مخاطب باید برقرار کند، اتفاق نمی‌افتد.

بحث نشان دادن چهره معصوم یا نشان ندادن آن یک بحث جدی است و جالب است این مسئله تنها یک مشکل فقهی نیست. بعضی بر این اعتقاد هستند که نشان دادن چهره معصوم به مرور موجب قداست زدایی از آن بزرگواران می‌شود و آن تصویر و قداستی که فرد از معصومین (ع) در ذهن خود به عنوان یک انسان خاص دارد با چندین بار دیدن فیلم‌ها با تصاویر بازیگران به مرور کمرنگ شده و از بین می‌رود.

نظر هنرمندان در این خصوص این است که هنرهای نمایشی و فیلم باید واقع‌گرایانه و به اصطلاح رئالیستی باشد، تا بتواند مخاطب را شکار کند و در پای نمایشنامه بنشانند و زمانی که چهره معصوم (ع) را با انداختن نور به صورت غیر عریان نشان می‌دهیم آن ارتباطی که مخاطب باید برقرار کند، اتفاق نمی‌افتد.

بعضی نیز معتقدند نشان دادن چهره معصوم، وهن معصوم و سبب طبیعی انگاری است. این مسئله را بیان می‌کنند که برای مثال وقتی قرار است چهره پیامبر (ص) نشان داده شود باید ایشان را در حالت‌های مختلف مانند مصیبت زدگی، استیصال و غیره نشان داد و این باعث می‌شود عظمت آن حضرت به عنوان یک پیامبر عظیم‌الشان زیر سوال برود. مانند صحنه‌هایی از فیلم حضرت یوسف (ع) که یعقوب نبی را در حالتی که کلافه بود در کنار خانواده خود نشان می‌داد و اینها صحنه‌های جالبی نبود. موضوع نمایش چهره معصوم (ع) هم جهات فقهی دارد و هم جهات غیرفقهی و نظر فقه از همین جهت است.

**\*سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که تاکنون روی این مسئله چقدر کار تحقیقاتی شده است؟**

گاهی ذهنیتی وجود دارد و آن ذهنیت به بیرون تحمیل می‌شود مانند اینکه می‌گویند اگر چهره معصوم بدون افکت‌هایی مانند نور نشان داده شود موجب قداست زدایی است. اما تاکنون چند تحقیق میدانی در این خصوص صورت گرفته است؟ آیا بعد از فیلم حضرت یوسف (ع) تحقیق میدانی در این خصوص انجام شد؟ و آیا از مردم سوال شد که شما بعد از دیدن فیلم چقدر نظرتان راجع به این پیامبران عظیم‌الشان افت کرد یا برعکس معتقدتر شدید؟ آنچه مسلم است این مسئله نیاز به تحقیق دارد و متأسفانه تاکنون چنین تحقیقی نه از طرف صاحب نظران فقهی و نه از طرف سازندگان فیلم‌ها صورت نگرفته است.

مسئله دیگری که اهالی سینما مطرح می‌کنند این است که سازندگان فیلم ناچارند یک خانم را در خانه خود سر سفره یا در اتاق خواب با حجاب نشان بدهند و این مسئله طبیعی و رئال نیست و مخاطب با چنین فیلمی ارتباط برقرار نمی‌کند. در خصوص این مسئله حتی اگر بخشی از مخاطب نیز تنزل پیدا کند نمی‌توان از مسئله قطعی شرعی عدول کرد. در مقابل بخشی از اهالی سینما نیز معتقدند این برداشت درست نیست و می‌توان با ترفندهایی داشتن حجاب را عادی جلوه داد. صرف نظر از درست بودن یا نبودن این اشکالات آنچه که جای خالی آن احساس می‌شود این است که هیچ گاه یک تحقیق میدانی صحیحی در این زمینه صورت نگرفته است. هیچ گاه دو

طرف مسئله کنار هم ننشستند بدون ترس و واهمه حرف خود را مطرح کنند، در صورتی که باید چنین گفتگوهایی صورت بگیرد و پس از آن فقها با بررسی همه جوانب نظر خود را بدهند

در خصوص نمایش چهره معصوم بدون افکت نور و غیره نیز باید تحقیق میدانی از مخاطبان صورت گرفته و آسیب شناسی شود. اگر در نتیجه تحقیقات مشخص شد واقعاً هنر و قداست زدایی اتفاق نمی‌افتد دلیل خاصی بر منع این مسئله وجود ندارد.

**\*در منابع فقهی آیا هیچ موردی پیدا می‌شود که به صورت مشخص نمایش چهره کسانی که به ایفای نقش پیامبران و ائمه (ع) با هدف نمایش زندگی آن بزرگوران به ایفای نقش می‌پردازند، ممنوع یا حرام اعلام شده باشد؟**

خیر، به نظر می‌رسد که مورد مشخصی بیان نشده است. در اجتهاد دو نوع حکم وجود دارد؛ گاهی در مسئله مورد بحث دلیل خاص وجود دارد و گاهی دلیل عام. در این خصوص دلیل خاصی وجود ندارد و روایتی وجود ندارد که گفته باشد چهره معصومین (ع) را نشان ندهید. اساساً این بحث مطرح نبوده است. اما دلیل عام آن مسئله و هنر، قداست زدایی و طبیعی انگاری است و آن هم جای بحث، گفتگو و تحقیقات میدانی دارد.

به هر حال فقهایی وجود دارند که نظرشان بر عدم جواز نمایش چهره معصومین (ع) است. این یک بحث علمی و فقهی است که قابل بحث و گفتگو است. و این مصاحبه صرفاً نمی‌تواند منشأ تصمیم‌گیری افراد در این زمینه شود.

**\*آیا ایجاد جذابیت، تأثیر و نفوذ بیشتر در نمایش‌های تصویری به خصوص در مخاطب کودک و نوجوان می‌تواند مجوزی برای نمایش چهره معصوم (ع) باشد؟**

اگر ادله‌ای همچون هنر و هنر و قداست زدایی مطرح باشد نمی‌توان این دلایل حرمت را به بهانه جذابیت و نفوذ بیشتر کنار گذاشت. ماکولیسم اینگونه اعتقاد دارند که هدف وسیله را توجیه می‌کند اما این اعتقاد در اسلام صحیح نیست و نمی‌توان با اسباب غیر شرعی و نادرست راه درست را تبلیغ کرد. اگر ثابت شود که نمایش چهره معصوم سبب و هنر و قداست زدایی است نوبت به موارد دیگر نمی‌رسد و این مسئله همینجا متوقف می‌شود.

**\*بر فرض قابل بودن به حرمت یا کراهت این مسئله، آیا این حکم تنها در سینما و تلویزیون مطرح است یا در تئاتر و تعزیه نیز مطرح است؟**

در هنرهای نمایشی دو نوع وجود دارد؛ نوعی که ادعا می‌کند واقع‌گرایانه و رئال است و نوعی که این ادعا را ندارد. این سوال ایجاد می‌شود که چرا در تعزیه یا هیئات گاهی چهره فردی که نقش معصوم را بازی می‌کند نشان داده می‌شود و کسی به آنها ایراد نمی‌گیرد و حساسیتی در این زمینه وجود ندارد. این مسئله در واقع، ریشه در آن جهت تقسیم بندی هنرهای نمایشی به واقع‌گرایانه و غیر واقع‌گرایانه دارد. در تعزیه این ادعا وجود ندارد که نمایش یک نمایش واقع‌گرایانه است و قرار است دقیقاً عین صحنه واقعی به نمایش دربیاید، حتی تمثالی که در قهوه‌خانه‌ها نیز به نمایش در می‌آید به همین صورت است. از این جهت تفاوت‌هایی وجود دارد. اما از نظر فقهی حرمت داشتن یا نداشتن عمل تابع همان دلیل منع است که بیان شد. اگر در فیلم، سینما و هر گونه هنر نمایشی و هنر و قداست زدایی از معصوم (ع) ثابت بشود حرمت در عمل وجود دارد و در غیر این صورت وجود ندارد.

در تعزیه این ادعا وجود ندارد که نمایش یک نمایش واقع‌گرایانه است و قرار است دقیقاً عین صحنه واقعی به نمایش دربیاید، حتی تمثالی که در قهوه‌خانه‌ها نیز به نمایش در می‌آید به همین صورت است

بنابراین هر جا دلیل حرمت ثابت شود به طور قطع منع فقهی وجود دارد. البته در اثبات دلیل حرمت وجود دلیل منطقی ضرورت دارد، گاهی ذهنیت مخاطب نیز در استنباط او اثر دارد برای مثال معمولاً در تعزیه و هنر و قداست زدایی در نشان دادن چهره بازیگر نقش معصوم (ع) استنباط نمی‌شود. بر این اساس در اثبات دلیل حرمت وجود دلیل قانع‌کننده ضروری است و در صورت شک اصل در عدم حرمت است. در فقه همواره اصل بر عدم حرمت است و در اثبات حرمت باید اثبات دقیق صورت بگیرد.

**\*برای ارائه زندگی معصومین (ع) با حفظ حدود فقهی چه راه حلی وجود دارد؟**

به نظر می‌رسد نمایش زندگی معصومین (ع) از جهتی کاری بسیار سخت و از جهتی کار بسیار آسانی است. از این جهت کار سختی است که در این کار در هر قالبی که باشد در حوزه سینما، تلویزیون و تئاتر هر مسئله‌ای به هر شکلی مطرح شود به حساب معصوم (ع) گذاشته می‌شود. از این جهت باید بسیار مراقب بود و با احتیاط و کارشناسانه رفتار کرد. همانطور که عرض شد در امر ارائه الگو چهار بایسته وجود دارد که همه آنها باید مورد توجه اصحاب رسانه باشد و اگر هر کدام از آنها رعایت نشود تبدیل به یک آسیب می‌شود.

اما در مقابل اگر این مسئولیت خطیر با ابزار مناسب صورت بگیرد، کار آسانی است. زندگی معصومین (ع) نه تنها برای مسلمانان بلکه برای همه انسان‌ها با هر دین، مذهب و اعتقادی که هستند با زبان‌های مختلف هنری از جمله فیلم، نثر زیبا و یا شعر پرمضمون قابل ترسیم و مطرح شدن است. از جهت منابع غنی و دست پری که در موضوع معصومین (ع) وجود دارد، کار ارائه الگو از زندگی معصومین (ع) کار دشواری نیست و بلکه بسیار هم آسان است. بنابراین می‌توان گفت این کار هم سخت است و هم آسان.

**\* آیا در نمایش و تصویرگری تفاوتی میان پیامبران و پیامبر عظیم‌الشان (ص) و ائمه معصومین (ع) و امامزاده‌ها وجود دارد؟ برای مثال چهره حضرت مریم، حضرت ابراهیم و برخی پیامبران نمایش داده شده است و مخالفتی هم با آن صورت نگرفته. بعضاً تشویق هم شدند اما نمایش تصاویری مانند چهره حضرت عباس (ع) و حضرت علی اکبر (ع) یا ائمه اطهار (ع) به مشکل برخورد است. دلیل این مخالف چیست؟**

دلیل حکم مشخص است. این دلیل فیلم، سینما و تئاتر نمی‌شناسد و از طرف دیگر فرقی نمی‌کند که موضوع در خصوص حضرت مریم (س) و حضرت زکریا (ع) باشد یا پیامبر اعظم (ص). اگر مسئله وهن و قداست زدایی مطرح باشد قطعاً منع فقهی وجود دارد و اگر این مسئله مطرح نباشد جوازی برای منع وجود ندارد.

این یک مسئله فقهی است. مسئله دیگری که وجود دارد عکس العمل مردم نسبت به این موضوع است. در جامعه ایران اگر تصویری از حضرت یعقوب (ع) نشان داده شود شاید هیچ عکس العمل منفی اتفاق نیفتد اما اگر تصویری از پیامبر (ص) و امام حسین (ع) نشان داده شود ممکن است بازتاب‌های منفی زیادی داشته باشد. این بخش مسئله به اجرا برمی‌گردد. مشکلات در اجرا، صلاح و عدم صلاح اجرا را نباید با بحث‌های نظری و تئوریک اشتباه گرفت. در اصل حکم تفاوتی میان شخصیت‌ها وجود ندارد اما ممکن است بگویند نشان دادن چهره حضرت زکریا وهن نیست اما نشان دادن چهره پیامبر (ص) وهن و قداست زدایی است.

این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که ایران تنها کشور اسلامی جهان نیست. مسلمانان کشورهای دیگر نیز چهره معصومین (ع) را نشان نمی‌دهند و در این موضوع حساس هستند. بنابراین رسانه‌های ایرانی نیز باید به مسائل توجه داشته باشد. این مسائل عوارض ثانوی است که مسئولین امر باید آن را در نظر بگیرند.

کد خبر 5366510



فاطمه علی آبادی